

<div></div>	<div>رویداد</div>
---------------------------------------	--------------------------

سخنگوی وزارت خارجه:

درباره سقوط کابل

پیش‌بینی نمی‌کنیم

● سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری هفتگی خود، به تشریح وضعیت گفت‌وگوهای احیای برجام پرداخت و نیز توضیحاتی درباره شرایط اخیر در افغانستان داد. به گزارش ایرنا، سعید خطیب‌زاده تأکید کرد در مسئله افغانستان، تمامیت ارضی، وحدت ملی و رعایت حقوق اقلیت‌ها اهمیت دارند و راه‌حل مسئله راه‌حل سیاسی است. او همچنین درباره وضعیت توافق با آژانس افزود ایران تصمیم سلبی یا ایجابی برای تصاویر دوربین‌های نظارتی در سایت‌های هسته‌ای نگرفته است.

آماده تسهیل گفت‌وگوها در افغانستان هستیم

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره یادداشت منتشرشده از سوی یکی از روزنامه‌ها درباره طالبان تصریح کرد: «با طرف‌های مختلف افغانستانی در سطوح عالی امنیتی و سیاسی در‌حال‌گفت‌وگو هستیم. موضوع افغانستان را با جدیت و از نزدیک در‌حال بررسی هستیم و با همه گروه‌های افغانستانی در‌حال گفت‌وگو هستیم». خطیب‌زاده اضافه کرد: «معتقدیم حفظ تمامیت ارضی، وحدت ملی، رعایت حقوق اقلیت‌ها و دستاوردهای دو دهه گذشته به‌سختی به دست آمده و همچنین گفت‌وگوهای اصیل بین‌الافغانی تنها راه‌حل پایدار است. ما آماده تسهیل گفت‌وگوها هستیم». وی در پاسخ به سؤال خبرنگار ایرنا درباره موضع ایران نسبت به طالبان خاطرنشان کرد: «طالبان همه افغانستان نیست و نخواهد بود اما بخشی از این کشور و بخشی از دولت و راه‌حل آتی افغانستان است. آنچه مهم است، یک دولت فراگیر با شمول همه گروه‌های افغانستانی و رسیدن به یک راه‌حل‌های سالم‌ت‌آمیز و پایدار در افغانستان است.»

امنیت ایران و افغانستان به‌هم پیوستگی دارد

وی تأکید کرد: «امنیت و هماهنگی اسلامی ایران و افغانستان به هم پیوستگی دارد و طبیعی است که با جدیت مسئله این کشور را بررسی می‌کنیم». سخنگوی وزارت امور خارجه درباره ریزش ایران با کشورهای منطقه درباره افغانستان بیان کرد: «موضوع افغانستان همواره در دستور مسئله و در روابط ما با کشورها مطرح بوده و آینده افغانستان باید در داخل افغانستان تعیین شود. هیچ کشوری نمی‌تواند درباره آینده افغانستان تصمیم‌گیری کند». به گفته خطیب‌زاده، همه کشورها در منطقه و همه کشورهای افغانستانی و رسیدن به یک کندم موضوع افغانستان به راه‌حل مسوی طرفینی برسد. در تمامی گفت‌وگوها، چه از سوی طرفی در اجلاس آنتالیا و چه گفت‌وگوهایی که نماینده ایران در امور افغانستان انجام می‌دهد، تلاش شده با رعایت ملاحظات منطقه‌ای و مردم افغانستان، این مسئله پیگیری شود.

آینده افغانستان را راه‌حل سیاسی تضمین می‌کند

خطیب‌زاده درباره موضع ایران درباره سقوط احتمالی کابل ابراز کرد: «ما درباره سقوط کابل و تحولات افغانستان تعجیل یا پیش‌بینی نمی‌کنیم که چه اتفاقی رخ می‌دهد. آنچه برای ما مهم است دولت فراگیر، امنیت، تمامیت ارضی و… افغانستان است.»

وی افزود: «ما گفته‌ایم که گفت‌وگوهای بین‌الافغانی با حضور همه گروه‌ها به شمول طالبان را تسهیل می‌کنیم. خشونت‌ها در افغانستان بالا گرفته است. برخی قومیت‌ها تحت فشار قرار گرفته‌اند و خواستیم حقوق آنها رعایت شود. آینده افغانستان را راه‌حل سیاسی تضمین می‌کند.»

مهم نیست توافق در کدام دولت انجام شود

سخنگوی دستگاه دیپلماسی در پاسخ به این سؤال که آیا در دور بعدی مذاکرات نماینده رئیس‌مهمور منتخب هم در این مذاکرات خواهد بود یا حصول توافق به دولت بعدی موکول شده است، ابراز کرد: «اساسا اهمیتی ندارد در کدام دولت و بازه زمانی توافق انجام شود. الان هم توافق ممکن شود، یک ساعت هم کار را به عقب نمی‌اندازیم». وی ادامه داد: «آنچه مهم است، تأمین منافع عالی ایران و مردم از بستر این گفت‌وگوهاست. هرگاه این اتفاق بیفتد، آن را اعلم می‌کنیم. تصمیم در این موضوع به این دولت و آن دولت برمی‌گردد. مکانیسم در سطوح عالی تعریف شده و دولت‌ها بخشی از پروسه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی هستند.»

تصمیمی درباره اطلاعات دوربین‌ها اتخاذ نشده

سخنگوی دستگاه دیپلماسی درباره احتمال تمدید توافق با آژانس بیان کرد: «قانون مجلس درباره تعهدات و وظایف دولت کاملا روشن است. موضوع توافق فنی با آژانس و چگونگی ادامه یا چگونگی عدم ادامه آن موضوع بحثی است که همچنان تصمیم‌گیری جدیدی درباره آن اتخاذ نشده است. چه درباره ادامه یا عدم ادامه آن و همچنین درباره پاک‌شدن اطلاعات هنوز تصمیمی اتخاذ نشده است و به محضی که اتخاذ شود، اطلاع‌رسانی خواهد شد». وی در پاسخ به این سؤال که آیا تاریخ پایانی برای پاک‌کردن اطلاعات دوربین‌های آژانس وجود دارد، یادآور شد: «مصوبه مجلس الزام‌آور است. توافقی هم که با آژانس انجام شد، توافقی برای حل برخی از نگرانی‌های آژانس در چارچوب مصوبه مجلس بود. آن زمان هم توافق کردیم دوربین‌ها جمع نشود ولی اطلاعات و آنچه ضبط می‌شود، در اختیار آژانس قرار نگیرد». خطیب‌زاده به بیان اینکه از روز الزام‌آورشدن مصوبه مجلس، هیچ دسترسی فریادمانی به آژانس داده نشده است، عنوان کرد: «همچنان هیچ تصمیمی سلبی یا ایجابی درباره دوربین‌ها و توافق قبلی با آژانس گرفته نشده است. نه نگه‌داشتن و نه پاک‌کردن و فعلا در وضعیت قبلی به سر می‌بریم.»

دیپلماسی



پیشنهاد تهران برای نشست سه‌جانبه ایران، افغانستان و پاکستان

روح‌اله نغعی: ایران به افغانستان پیشنهاد داد که درباره تحولات اخیر در این کشور نشستی سه‌جانبه با پاکستان برگزار شود. افغانستان نیز از این پیشنهاد استقبال کرده است. این پیشنهاد درحالی مطرح شده که طالبان بار دیگر یورش، تصرف و تهدید حاکمیت قانونی در خاک افغانستان را آغاز کرده است. دور جدید حملات طالبان به شکلی است که مردم عادی مناطق مورد حمله برای دفاع از خود و حفظ سرزمین مسلح شده‌اند. این البته در حالی است که بعضی تریبون‌ها در ایران مواضع عجیبی درباره طالبان گرفته‌اند و به تعبیری درحال تطهیر سابقه گروهی هستند که ایران خود پیش‌تر در عملیات تروریستی آن قربانی‌هایی داشته است.

دیدار طاهریان با وزیر خارجه افغانستان

وزارت امور خارجه افغانستان در بیانیه‌ای که از دیدار و گفت‌وگوی وزیر امور خارجه این کشور با نماینده ویژه وزارت خارجه ایران در امور افغانستان درباره موضوعات دو‌جانبه خبر می‌د، واکنش این کشور به پیشینه‌های ایران را بیان کرد. به گزارش ایسنا، پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه افغانستان در بیانیه‌ای اعلام کرد: «محمد حنیف اتمر، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان با محمدابراهیم طاهریان، نماینده ویژه وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ملاقات کرد». در این بیانیه آمده است: «در آغاز، آقای طاهریان درباره نتایج سفر اخیری که به پاکستان داشت، به وزیر خارجه کشور [افغانستان] اطلاعاتی داد. آقای طاهریان با اشاره به اهمیت اجماع منطقه‌ای و تقویت روابط میان سه کشور، طرح برگزاری نشست سه‌جانبه وزرای خارجه افغانستان، ایران و پاکستان را مطرح کرد». در ادامه این بیانیه آمده است: «وزیر امور خارجه تقویت هرچه بیشتر روابط دوستانه میان دو کشور را با اهمیت خوانده و بر تحکیم و گسترش هرچه بیشتر مناسبات دو‌جانبه و

عملکرد شورای نگهبان و روابط بین‌الملل

است که مستقیما در حوزه هر نهاد‌هایی از قبیل شورای نگهبان و سایر نهادهای ذی‌ربط داخلی است.

همان‌گونه که قبلا ذکر شد، این حق اگرچه در قالب معاهدات ذکر شده ولی در زمره «حقوق عرفی، قواعد امره» و تعهدات عام‌الشمول، کشورها قرار دارد. درمعنای این‌ قاعده حقوقی آن است که هیچ کشوری نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی آن را نقض کند . اهمیت حقوق انسانی در سیاست و روابط بین‌الملل حتی فراتر از معاهدات قانون‌ساز جهانی گسترش پیدا کرده و گفتمان حقوق بشر را مبنای ایجاد تریبات و ساختارهای منطقه‌ای قرار داده است. امروزه همه مناطق جغرافیایی جهان(به استثنای آسیا) سازمان‌ها و ارگان‌های منطقه‌ای حقوقی و سیاسی ویژه رسیدگی به تحولات مرتبط با حقوق انسان‌ها دارند و نظام گزارش‌دهی و اقامه دعوی علیه دولت‌ها و حاکمیت‌ها در زمینه نقض تعهدات را تعبیه کرده‌اند. در آسیا نیز در سازمان‌های بین‌الدولی مربوط نیز این امر آشکارا و صریحا مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر آن، هموزق حقوق انسانی در پیمان‌های معطوف به همکاری‌های سیاسی، امنیتی و نظامی نیز وارد شده و در برخی سازمان‌های بین‌الدولی مانند «سازمان همکاری و امنیت در اروپا» که بر پایه «معاهده هلسنیکی» شکل گرفته و همچنین سازمان‌های مشابه در آسیای میانه و قفقاز به‌عنوان اصل اساسی در روابط منطقه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. حتی در آفریقا نیز توافقات موسوم به «نیاده» و اسناد تأسیسی «سازمان وحدت آفریقا» نیز به این موضوع مهم بین‌المللی پرداخته است. از این گذشته، لزوم تحقق حقوق انسانی و مشارکت عمومی در همکاری‌های بین‌منطقه‌ای نیز به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال اتحادیه اروپا در تریبئات و توافقات اقتصادی خود تحت عنوان TCA با کشورهای حوزه مدیترانه، این موضوع را در چارچوب تعهدات کشورهای هدف آورده و بر همین اساس همکاری جدیدی بین سازمان‌های بین‌الدولی طرفین شکل گرفته است. نکته مهم دیگر اینکه بحث نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر در مجموعه سیاسی و حقوقی فراگیر بین‌المللی به نام «مسئولیت حمایتی» قرار گرفته و در نتیجه این موضوع را قویا در متن سیاست بین‌الملل گنجانده است.

از سوی دیگر حقوق بشر و اشکال متعدد آن از قبیل تعهد کشورهای ژنرومند به لزوم مشارکت در فرایند فرزندزایی و توسعه به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی پدیده «جهانی‌شدن» قرار گرفته است که توجه به این امر فرصت‌های متعددی را برای

پشتون است. حضور در سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوحه را باید به فال نیک گرفت. همکاری با آنان می‌تواند به گسترش ثبات در جامعه افغانستان و جلوگیری از نفوذ گروه‌هایی مانند داعش منجر شود. نباید در دام بازیهای های اشتباه رسانه‌های آمریکایی از آنان بیفتیم». اشاره نادری به «بازیهای های اشتباه رسانه‌های آمریکایی» از طالبان در حالی است که پس از مردم خود افغانستان، مردم ایران دریافت مستقیمی از نتیجه فعالیت‌های تروریستی این گروه داشته‌اند و کمتر نیاز به روایت‌های رسانه‌ای، آن هم رسانه‌های خارجی برای درک شرایط داشته‌اند. امواج مهاجرت مردم از افغانستان به ایران، خود گواه شرایط بوده اما خود این مهاجران نیز روایان مستقیم جنایت‌های تروریستی این منطقه بوده‌اند و این روایات را با خود به شهرهای ایران برده‌اند، از کشته‌شدن اطرافیان خود تا قطع انگشت آنها به دلیل حضور پای صندوق‌های رای. هم‌زمانی مردم افغانستان با مردم ایران و سابقه تاریخی و فرهنگی کهن مشترک نیز باعث شده است، به‌خصوص در دوران شبکه‌های اجتماعی، روایت‌ها، اعتراضات، شکایت‌ها و حتی سوگواری‌های مردم افغانستان در نتیجه حملات طالبان و حققان و جنایات این گروه علیه شیعیان، زنان و دیگر گروه‌های غیرطالب، مستقیم در مقابل دیدگان مردم ایران قرار بگیرد.

دیگر سر نمی‌برند، اگر هم کشتند در جنگ بوده است

اما از جمله این تریبون‌های حامل روایت جدید از طالبان روزنامه کیهان بوده است که اخیرا در سرمقاله‌ای به قلم حسین شریعتمداری، مدیرمسئول این رسانه، مدعی شده که طالبان تغییر رویه داده است و دیگر «با طالبانی که می‌شناسیم و مثلا سر می‌برید، تفاوت‌هایی کرده است». اما عجیب‌تر از یادداشت شریعتمداری، صحبت‌های اخیر فردی به‌عنوان کارشناس است که در صداوسیمای ایران، به دفاع از رویکرد طالبان پرداخته است. این کارشناس در برنامه جهان‌آرا از شبکه افق مدعی شد: «جنگی بین شیعه و سنی و جنگی بین شیعه و طالبان در افغانستان وجود ندارد، نال آن و نه در گذشته، یعنی هرچه بوده در میدان نبرد اتفاق افتاده است». او ادامه داد: «در این چند روز شیعه‌کشی اتفاق نیفتاده و در آینده هم اتفاق نخواهد، افتاد مگر اینکه شیعیان در آنچه اسمش را بسیج ملی می‌گذارند مسلح شوند، یعنی آمریکایی‌ها دوباره سلاح توزیع کنند و به نفع خودشان بخواهند گروه‌های مردمی را وارد جنگ با طالبان کنند که قطعا در این جنگ از دو طرف کشته خواهد شد». او با این عبارت کشته‌شدن شیعیان به دست طالبان را توضیح داد: «من دارم از اینجا رد می‌شوم و با شما هم کاری ندارم، شما اگر دست از سلاح بردید و به سمت من تیراندازی کردید، حتما به سمت شما تیراندازی می‌کنم». او ادامه داد: «شیعه را در افغانستان تسلیح می‌کنند و می‌گویند با طالبان بجنگید، اگر شلیک کنند، بهشان شلیک می‌شود، اما این شیعه‌کشی نیست».

این روایات و این قبیل قلم و واقعیات، شاید برای مردمی که در سرزمینی دوردست و تنها از طریق رسانه‌ها با حقیقت اتفاقات افغانستان مواجه هستند، کارایی داشته باشد، اما در میان مردمی که چندین و چند سال است در زندگی‌های روزمره خود نیز با پیام‌های جنایات طالبان و آسیب‌دیدگان آنها مواجه بوده‌اند، به‌زبان آوردن چنین ادعاهایی عجیب به نظر می‌رسد. شاید طالبان در دور آخر تلاش خود موفق شود دوباره قدرت را به دست بگیرد و ایران ناچار باشد با حقیقت تسلط این گروه بر تمام یا بخش گسترده‌ای از خاک افغانستان مواجه شود اما مشخص نیست چرا برخی به این نتیجه رسیده‌اند. آن‌هم از تریبون‌های رسمی کشور، این‌طور به بازنویسی تاریخ درباره گروهی بیرادانند که حدود پنج هفته دیگر، ایران بار دیگر سالگرد قربانی‌شدن شهروندان خود در یکی از جنایاتش را پیش‌رو دارد.

جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همفکر برای طلبکاری و مطالبه از کشورهای ژنرومند و متجاوز به حقوق بشر فراهم می‌کند (لازم است در این عرصه به اصل تفکیک‌ناپذیری حقوق بشر توجه شود). در همین حوزه، موضوع مهم «نقص‌های فراسرزمینی حقوق بشر» در سوی کشورهای متجاوز به حقوق انسان‌ها در همه مناطق عالم در شورای حقوق بشر سازمان ملل مطرح است که می‌تواند محور مهمی در فعالیت‌های سیاسی- بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی فراهم آورد. تا اینجا سعی شد به‌طور بسیار اجمالی مبانی ارتباط عملکرد نهادهای داخلی ذی‌ربط از قبیل شورای نگهبان با سیاست، حقوق و روابط بین‌الملل ذکر شود؛ اما موضوع به اینجا ختم نمی‌شود. تخصصات و رقابت‌های ژئوپلیتیک در منطقه و جهان عرصه مهم‌تر و حساس‌تری را در استفاده از گفتمان حقوق بشر در چارچوب اهداف سیاست خارجی کشورها و منافع سیاسی آنها ایجاد کرده است.

ب- روند‌های حاکم بر تخصص و رقابت‌های ژئوپلیتیک: در تمام تخصصات و رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، دستور کار اصلی و محور تحركات، موازنه قدرت، حضور، نفوذ و پیشروی در حوزه منافع دیگران و گسترش شعاع منافع خودی است. به بیان دیگر ماهیت سیاست و روابط بین‌الملل مبتنی بر «سیاست قدرت» است. بر همین مبنا در سیاست و روابط بین‌الملل مفروض آن است که واحدهای سیاسی در جهان از هر تحول، فرصت، امکان و ظرفیتی در عرصه بین‌المللی نهایت استفاده را برای تحقق منافع و اهداف سیاست خارجی خود می‌برند. به این معنا که تقریبا هیچ قاعده‌ای را در دایره تعارض منافع بین حاکمیت‌ها جز تحمیل منافع بر دیگری نمی‌توان مشاهده کرد؛ بنابراین این‌صورت جهانی در سیاست و روابط بین‌الملل همواره دربردارنده انواع تهدیدات امنیتی علیه کشورهاست. نکته مهم‌تر اینکه ابزار و عناصر تحركات ژئوپلیتیک در دنیای متحول و سیّال کنونی، برخلاف قواعد سنتی مبتنی بر ابزارهای سخت‌افزاری مانند توان متعوق دفاعی، نظامی و امنیتی، شامل طیف وسیعی از حوزه‌های نرم‌افزاری مثل حقوق بشر، دموکراسی-مردم‌سالاری، مشارکت عمومی و رضایت عمومی مردم از دولت‌ها با استفاده از دیپلماسی عمومی و توان خارق‌العاده عنصر رسانه است. دقیقا در همین‌جاست که پشوتانه قوی مردمی در نظام‌های سیاسی و رضایت مردم از آنها به‌عنوان عنصر بلامنافع «اقتدار» در کنار سایر

<div></div>	<div>ادامه از صفحه اول</div>
---------------------------------------	-------------------------------------

حذف رانت‌ها؛ ممکن و مطلوب؟!

چنان‌که هرچه اقتصادی رقابتی‌تر باشد، رانت‌ها به‌واسطه رقابت بنگاه‌ها برای پایین آوردن قیمت‌ها، کاهش می‌یابد. بالعکس اقتصادهای دارای فضای انحصاری و نیمه‌انحصاری و درگیر انواع محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها با حجم و دامنه گسترده‌تری از رانت‌ها مواجه هستند. همچنین در ساختار اقتصادی که به‌واسطه عدم توازن دخل و خرج، دولت دچار کسری بودجه است و هر روز با انتشار پول پرقدرت و افزایش نقدینگی بر دامنه تقاضا می‌افزاید، بدون آنکه امکان افزایش عرضه را داشته باشد (چه درمورد کالاهای غیرکشکی مانند زمین یا کشتشی مانند ارز، اعتبارات بانکی، حامل‌های انرژی، انواع مایحتاج عمومی و…) ناچار اقدام به سهمیه‌بندی آن کالا یا محصول می‌کند که این خود سبب فاصله قیمتی و ایجاد فرصت برای بهره‌برداری افراد مختلف از «رانت‌ها» حاصل می‌شود. در واقع سیاست‌های دولت‌ها اعم از سیاست‌های حمایتی و کنترلی و محدودیت‌های تجاری و… امکانی را برای بهره‌برداری از روابط سیاسی، دوستی و خویشاوندی و… برای برخورداری از منافع ایجادشده فراهم می‌کند. بر این اساس حذف رانت در اقتصادهایی مانند اقتصاد کشورمان با تغییر ساختار و سازکار اقتصادی-سیاسی و گذار از چارچوب انحصاری و شبه‌انحصاری و حرکت به سمت فضای رقابتی و آزاد امکان‌پذیر است و رفع دوگانگی‌های قیمتی حاصل این‌روابط و مناسبات، یک نمونه از این رانت‌زایی، نرخ سود سپرده‌های بانکی است. چنان‌که حداکثر نرخ سود سپرده‌های بانکی دو ساله ۱۸ درصد و سپرده‌گذاری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت ۲۰ درصد است. درحالی‌که نرخ تورم در یکی، دو سال اخیر در کشورمان حدود ۲۰ درصد بوده است. این فاصله ۲۰ درصدی، رانتی است که نصیب گیرندگان تسهیلات می‌شود و حذف آن یعنی کاهش نرخ تورم با افزایش نرخ سود بانکی که هر دو با منافع ساختاری یعنی افزایش شدید هزینه‌های دولت و کسری بودجه آن و ناترازی منابع بانک‌ها مواجه‌اند. چنان‌که مثلا به نوشته معاون وزیر رفاه «در ۱۵ سال گذشته کمک دولت به صندوق‌های بازنشتسگی بیش از صد برابر شده است و از هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان به بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است» (روزنامه «شرق»- «۰۴/۰۶/۱۴۰۰). اما سؤال بعد این است که آیا حذف یکباره این رانت‌ها حتی در صورت امکان، مفید و مطلوب است؟ یا پاسخ، به نظر منفی است، چراکه سبب بهرم‌خوردن نظم سیاسی موجود و افزایش بی‌ثباتی و هرج‌ومرج و خشونت می‌شود. «آنچه در صورت ریشه‌کن‌کردن رانت، جایگزین واقعیت موجود خواهد شد، نه یک اقتصاد مبتنی بر بازار رقابتی، بلکه جامعه‌ای گرفتار بی‌نظمی و خشونت است» (در سایه خشونت، داکلاس نورث). در نظام‌های دسترسی محدود با اعطای رانت‌ها و امتیازهای ویژه به گروه‌های دارای امکان خشونت، این رفتار تا حد مهار و امکان همکاری برای گذر به نظام باز فراهم می‌شود. در این تحلیل توزیع رانت‌ها، رفتار افکار جریان‌ها را (اتلاف مسلط) پیش‌بینی‌پذیر می‌کند و مانع خشونت‌ورزی آنان می‌شود؛ بنابراین برای توسعه‌های میان‌مدت در یک نظام دسترسی محدود آنچه موضوعیت دارد این است که آیا آن رانت‌ها، انگیزه‌هایی برای یادگیری، افزایش بازدهی و اثناشت ظرفیت تولید ایجاد می‌کنند یا خیر؟ (همان) طبق نظریه و پژوهش تاریخی «نورث» مشکل رانت‌جویی از آنجا آغاز می‌شود که افراد منابع را برای کسب رانت‌هایی اختصاص دهند که غایت اجتماعی سودمندی ندارند یا به‌اصطلاح «نامولده»اند (سرمایه‌داری رقابتی دوره مارکوس در فیلیپین و برعکس رانت مولد مانند شیلی دوران پیوتشه).

در مجموع می‌توان گفت حذف رانت‌ها در قالب گفتار مطرح‌شده از سوی رئیس‌جمهور آینده بسیار دشوار می‌نماید و ساختار سیاسی و جناح‌بندی‌های قدرت هم اجازه چنین کاری را کمتر می‌دهند. دیگر آنکه اگر هم چنین اراده‌ای وجود داشته باشد، در قالب یک برنامه کوتاه‌مدت و از طریق نظام اداری تعیین سرنوشت، مردم‌سالاری و رضایت عمومی از نظام در کشور از جمله شورای نگهبان می‌تواند موجد فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدهای متنوعی علیه خود و سایر بازیگران عرصه ژئوپلیتیک شود؛ یعنی اینکه هرگونه تلاش نهادها و ارگان‌های ذی‌ربط در کشور می‌تواند موجبات اقتدار کشور در برابر دشمنان و رقبا به‌عمکرد خود زمینه‌های تضعیف اقتدار مردمی را ایجاد کند. نکته مهم در این زمینه این است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر مبنای قواعد و روندهای حاکم بر رقابت‌های ژئوپلیتیک و بر مبنای اقتدار مردمی و با استفاده از فرصت‌های ایجادشده ناهتئا تعارضات سایر بازیگران علیه منافع ملی ایران را خنثی کند بلکه خود نیز مبتکر فعال در این رقابت شده و در حوزه درجه‌های سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پیشروی کند. در مکتوب بعدی راجع به فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدهای متنوع توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

<div></div>	<div>بخش اول این مکتوب با عنوان «شورای نگهبان، سیاست، حقوق و روابط بین‌الملل» در تاریخ یکم تیرماه منتشر شد.</div>
---------------------------------------	--

چرا تشکر نمی‌کنید!

…و از ورود کشور به چنین شرایطی جلوگیری کند، ولی این موضوع هم ظاهرا مانند موضوعات پیشین، به طاق بلند هئیت دولت برخورد کرده است و خیلی چیزهای دیگر که می‌ترسم اگر بنویسم مرزهای دشنام‌گویی برخی مسئولان شما از «فیوزان تاریخ» هم عبورکند. اما از جانب آن دسته از کارمندیانی که به‌دلیل بی‌عرضگی مدیرانشان در طول سال‌های دولت شما بی‌کار بودند و حتی یک قلم نزنند یا قدمی برنداشتند ولی حقوق آنها حتی یک روز هم به قول شما به تاخیر نیفتاد، از جناب‌تان تشکر و قدردانی می‌کنم! ولی از طرف دیگر نمی‌دانم با روح و روان تخریب‌شده آنها چه کنم؟